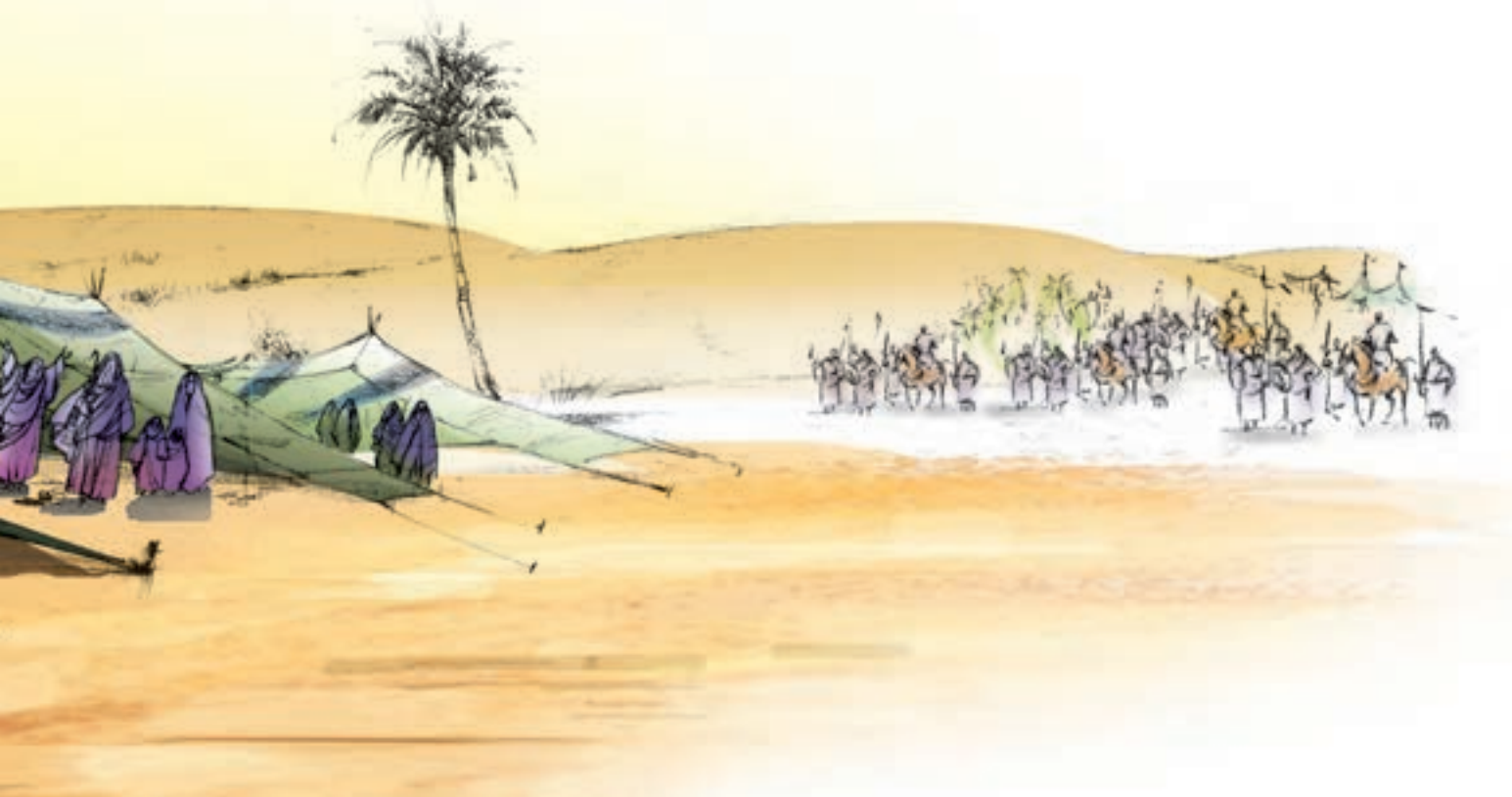


سرور آزادگان

روز عاشورا بود. تعداد زیادی از یاران امام حسین (رضی الله عنه) شهید شده بودند. قاسم بن حسن از عموی خود اجازه گرفت و با شجاعت وارد میدان شد. شمشیرش را می چرخاند و مبارزطلبی می کرد. او از همه ی جوانان کربلا جوان تر بود. چهره ای آرام و ایمانی و در عین حال مصمم داشت. شمشیر می زد و تکبیر می گفت، چیزی نگذشت که این ستاره ی فروزان، عموگویان بر زمین افتاد.



امام حسین (رضی الله عنه) با شنیدن صدای او مانند عقاب به سوی پسر برادرش رفت. با شمشیر خدا ضربه ای محکم به قاتل قاسم زد و دست او را قطع کرد و آن ستمگر در زیر سم اسب های لشکر ابن زیاد به هلاکت رسید.

امام حسین قهرمان به سوی قاسم رفت. خم شد و پسر برادرش را در آغوش گرفت. بوی گل‌های بهشت را از بدن معطرش احساس می‌کرد. اشک از چشمانش جاری شد و با مهربانی و عطوفتی توصیف‌ناپذیر فرمود: «به خدا قسم برای عمویت سخت است که تو او را صدا بزنی و او نتواند تو را جواب دهد. یا اینکه اگر تو را جواب دهد، جوابش برایت نفعی نداشته باشد، در روزی که ستمگران در حق او فراوان و یارانش کم‌اند.»



قیام امام حسین (رضی الله عنه)

بعد از آنکه حضرت محمد (صلی الله علیه و علی آله) از سوی خدای بزرگ برگزیده شد و مأموریت یافت تا انسان‌ها را به دین خدا دعوت کند، انسان‌های ستمگر سعی کردند از هر راه ممکن، دین اسلام را از بین ببرند؛ اما مقاومت و تلاش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) و یاران بزرگوارش (رضی الله عنهم اجمعین) باعث شد تا کافران به خواسته‌های خود نرسند.

بعد از تمام شدن خلافت کوتاه مدّت امام حسن (رضی الله عنه) و حاکمیت بنی امیّه، یزید در سال ۶۰ هجری به حکومت و سلطنت رسید. یزید اهل کارهای زشت و ناپسند بود، به نماز چندان اهمیت نمی‌داد و احکام دینی را رعایت نمی‌کرد، بدی‌های او در اطرافیان و مردم هم اثر گذاشته بود. وقتی به امام حسین (رضی الله عنه) خبر دادند که یزید به حکومت رسیده، تصمیم گرفت در مقابل او بایستد. یزید خیرخواهی امام حسین (رضی الله عنه) را نپذیرفت و با او و یارانش در کربلا بدترین برخورد را نمود. امام حسین (رضی الله عنه) در مقابل یزید تسلیم نشد و در مورد قیام خود فرمود:

همانا من برای اصلاح امت جدّم قیام کرده‌ام.
من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

سرانجام امام حسین (رضی الله عنه) با یاران وفادارش در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری و در صحرای کربلا به شهادت رسیدند.
اما قیام و شهادت او برای همیشه سرمشق انسان‌های آزاده و یکتاپرست شد.

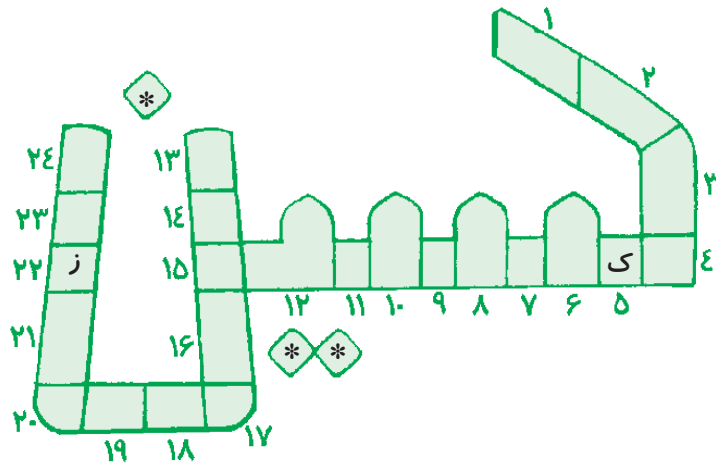
گفت‌وگو کنید

از قیام امام حسین (رضی الله عنه) در برابر یزید چه درس‌هایی می‌گیریم؟

تحقیق کنید

درباره‌ی دیگر کودکان و نوجوانانی که در حماسه‌ی کربلا حاضر بودند تحقیق کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

- پاسخ سؤالات زیر را به ترتیب اعداد داده شده از راست به چپ در جدول قرار دهید؛ سپس حروف را به ترتیب کنار هم بخوانید. رمز جدول، یکی از سخنان امام حسین (رضی الله عنه) است.
- ۱- نام خواهر امام حسین (رضی الله عنه)؛ پیام رسان کربلا. (۴-۷-۱۲-۱۳)
 - ۲- جاری شدن اشک از چشمها. (۳-۲-۱۷-۱)
 - ۳- وقتی به هم می‌رسیم به یکدیگر می‌کنیم. (۸-۱۴-۲۰-۱۶)
 - ۴- تعداد جزءهای قرآن کریم. (۶-۲۱)
 - ۵- زیاد نیست. (۱۱-۱۵)
 - ۶- اولین ماه از فصل زمستان. (۲۳-۲۴)
 - ۷- شکلی که سه ضلع دارد. (۹-۱۰-۱۹-۱۸)



امام حسین (رضی الله عنه) می‌فرماید:

..... بیعت نمی‌کند.

به نظر شما این جمله چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟

سیمای خوبان

مدّتی بود که در غاری به نام حرا با خدای خود راز و نیاز می‌کرد. از کارهای زشت و ناپسند مردم ناراحت بود و برای هدایت آنها پیش خدا دعا می‌کرد...

سرانجام در هفدهم ماه رمضان، جبرئیل امین (علیه السلام) فرشته‌ی وحی، به غار رفت و خطاب به او گفت: «بخوان!»

رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) گفت «من سواد خواندن ندارم.»
جبرئیل او را در آغوش گرفت و دوباره سخنش را تکرار کرد. پیامبر نیز همان جواب قبلی را تکرار نمود.
جبرئیل (علیه السلام)، آیات اوّل سوره‌ی علق را بر او خواند:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید.

سوره‌ی علق، آیه‌ی ۱



پیامبر به خانه بازگشت و ماجرای نزول جبرئیل را برای همسرش خدیجه تعریف کرد. خداوند او را برای هدایت مردم به پیامبری برگزیده بود.

خدیجه که سخنان او را شنید، گفت: «ای محمد! تو صله‌ی رحم به جای می‌آوری، مشکلات را می‌پذیری و به بینوایان کمک می‌کنی، مهمان‌نواز هستی و آنچه را که حق است، در جای خود انجام می‌دهی. من با اطمینان خاطر به تو ایمان می‌آورم.»
و بدین گونه آن بانوی بزرگوار، اولین زن مسلمان شد.
قرآن کریم می‌فرماید:

الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ

پیامبر نسبت به مؤمنان، از خودشان مقدم‌تر است و همسران وی مادران آنها هستند.
سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۶

آری همسران پیامبر و فرزندان بزرگوارشان، که آنها را اهل بیت پیامبر می‌دانیم؛ الگوی مردم مسلمان هستند.

پیامبر سه پسر به نام‌های قاسم، عبدالله و ابراهیم و چهار دختر به نام‌های فاطمه، زینب، رقیه و امّ کلثوم داشت.

ابراهیم، پسر امّ‌المؤمنین ماریه بود و سایر فرزندان پیامبر، از امّ‌المؤمنین خدیجه بودند. رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله)، حضرت فاطمه (رضی‌الله‌عنها) را خیلی دوست داشت. امام حسن و امام حسین (رضی‌الله‌عنهما) پسران حضرت فاطمه‌اند.

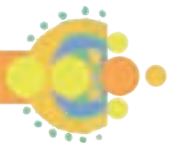
اهل بیت پیامبر (رضی‌الله‌عنهم اجمعین) اخلاق نیکوی پیامبر را الگوی خود قرار داده بودند. حضرت علی (رضی‌الله‌عنه) در توصیف پیامبر می‌فرماید: «هرگز زبان به زشتی نمی‌گشود و جواب زشتی را با زشتی نمی‌داد. بیهوده در بازار نمی‌گشت. اهل گذشت بود و از بدی چشم می‌پوشید. هیچ‌گاه با خدمتکار خود به تندی رفتار نکرد و هیچ‌وقت در فکر انتقام از کسی نبود. اگر کسی کار زشتی انجام می‌داد، سخت ناراحت می‌شد. کارهای خود را شخصاً انجام می‌داد. همیشه به یاد خدا بود. هرگاه به میان جمعی می‌رفت، در هر جایی که خالی بود می‌نشست و دیگران را به این کار سفارش می‌نمود. به کسانی که در مجلسش بودند، به یک اندازه محبت می‌کرد تا مبدا کسی که در پهلویش نشسته گمان کند، دیگری نزد پیامبر از او محبوب‌تر است. اگر می‌توانست نیاز دیگران را برآورده می‌نمود و گرنه با زبانی خوش، به او پاسخ می‌داد. برای مردم پدری مهربان بود و محضرش، مجلس علم و دانش و ادب و حیا بود.»

اهل بیت پیامبر نیز همین روش را در پیش گرفتند؛ خوش اخلاق بودند، خطای دیگران را می‌بخشیدند و اهل کینه‌ورزی نبودند. عیب دیگران را می‌پوشاندند. به خاطر خویشاوندی با پیامبر امتیاز ویژه‌ای را برای خود

در نظر نمی‌گرفتند. امانت‌دار بودند و به عهد و پیمان‌شان وفا می‌کردند. به خود مغرور نبودند و متکبرانه راه نمی‌رفتند. به بینوایان خدمت می‌کردند. وقتی امام سجّاد (رضی الله عنه) از دنیا رفت، فقیران دانستند فرد ناشناسی که برایشان غذا می‌آورد، آن حضرت بوده است.

از غیبت و مسخره کردن دیگران دوری می‌کردند. سخن به اندازه می‌گفتند و کم و سنجیده شوخی می‌کردند. مهمان‌نواز بودند و به عیادت بیماران می‌رفتند. با کودکان مهربان و با جوانان دوست و صمیمی بودند. پیران را احترام گذارده و آنها را یاری می‌کردند. فقیران را ارجمند می‌دانستند و دعوتشان را می‌پذیرفتند. با اهل خانه مهربان بودند و به پدر و مادر احترام می‌گذاشتند. پر خوری را دوست نداشتند و به مسواک و نظافت و استفاده از عطر بسیار اهمیت می‌دادند. اهل عبادت و نماز شب بودند و نماز اول وقت می‌خواندند.

گفت‌وگو کنید



بهترین برخورد در موارد زیر چیست؟

– اگر کسی شما را مسخره کرد یا به شما ناسزا گفت.

– اگر در حضور شما از دیگران بدگویی شد.

– اگر فقری در همسایگی شما باشد.

پیشنهاد



از کتابی که معلّمان معرفی می‌کند، داستانی را از زندگی یکی از اهل بیت انتخاب کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

روزنامه دیواری



با کمک دوستانتان در مورد نقش رفتار پیامبر و تأثیر آن بر اخلاق و رفتار اهل بیتش، مطالبی تهیه کرده و به صورت روزنامه‌ی دیواری، در راهروی مدرسه نصب کنید.

رهروان راه صحابه

یکی از حاکمان در دوره‌ی مروان از ابوحنیفه، نخستین امام اهل سنت خواست تا قضاوت کوفه را به عهده بگیرد، اما او این پیشنهاد را نپذیرفت. کارگزار^۱ مروان دستور داد تا صد و ده ضربه شلاق را در طول یازده روز (روزی ۱۰ ضربه) به او بزنند تا از نظر خویش بازگردد. اما او با قاطعیت و متانت بر نظر خود ماند و تصمیمش را عوض نکرد. حاکم اموی ناگزیر شد از تقاضایش دست بردارد و به او پیشنهادهای دیگری برای همکاری با حکومت بدهد. اما او باز هم نپذیرفت و برای حفظ جان و ایمان خود از عراق خارج شد و به مکه رفت، تا در آنجا درس حدیث، سنت و فقه را به دوستان علم بیاموزد. حدود شش سال در مکه ماند، اما در آنجا نیز از آزار حکومت ستمگر در امان نماند.

بعد از مروان، منصور خلیفه‌ی عباسی نیز متوجه شد که ابوحنیفه با وی موافق نیست؛ زیرا در خلال درس‌هایش از کارگزاران حکومت انتقاد می‌کند. خلیفه‌ی عباسی کینه‌ی او را به دل گرفت و وی را به بغداد احضار کرد و او را به زندان انداخت، اما برای جلب اعتماد مردم از او خواست که قاضی بغداد شود. او با همان ایمان و مقاومتش این پیشنهاد را برای دومین بار رد کرد. منصور قسم خورد که قضاوت را به او بقبولاند و بنده‌ی مخلص خدا هم سوگند یاد کرد که قبول نکند و سرانجام او بر سوگند خود ماند و منصور را تسلیم اراده‌ی آهنین خود کرد. و بدین‌گونه ابوحنیفه، در مقابل حکومت جور و ستم مقاومت کرد و بر اساس روایت‌های مختلف، سرانجام در زندان روح بزرگش به رحمت خدا پیوست.

۱- کارگزار حکومت در زبان امروز استنادار و شهردار نامیده می‌شود.



تابعین در قرآن

به مسلمانانی که مفتخر به دیدار پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) نشدند، اما به حضور صحابه و یاران آن حضرت رسیدند و زمان آنها را درک کردند، «تابعین» می‌گویند. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت «رحمة الله علیه» یکی از تابعین صحابه بود که اندکی با زندگی او آشنا شدیم. قرآن در آیات متعددی، از یاران پیامبر ستایش می‌کند و کسانی را که به نیکی از آن عزیزان پیروی می‌کنند، به بهشت وعده می‌دهد.

وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ

و کسانی که به نیکی از مهاجران و انصار پیروی و تبعیت کردند، خداوند از آنها راضی و خشنود شده و آنها هم از خدا خشنود شده‌اند و خداوند برایشان بهشت و باغ‌هایی را آماده کرده است...

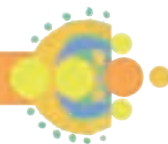
سوره ی توبه، آیه ی ۱۰۰

با نگاهی به زندگی تابعین (رحمة الله عليهم) می‌توانیم بفهمیم که چرا خداوند در قرآن، از آنها ستایش و اعلام رضایت نموده و آنها را به بهشت بی‌کرانش وعده داده است. اکنون مقدار بیشتری با شخصیت درسمان (امام ابوحنیفه) آشنا می‌شویم.

امام اعظم ابوحنیفه «رحمة الله علیه»

هر کس که او را ملاقات می‌کرد، آثار ایمان و یاد خدا را در چهره‌اش می‌دید. همگان به علم و پابندی او به دین خدا ایمان داشتند، اما او دوست نداشت که مردم وی را ستایش کرده و از او تعریف و تمجید کنند. بیانی خوش داشت، با صدایی گیرا صحبت می‌کرد. ظاهری آراسته و باطنی آرام داشت. همیشه خوشبو و معطر بود و به پیروی از سنت پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) به استعمال عطر علاقه‌ی فراوان داشت. بسیار با وقار بود و در راستگویی نزد همگان شهرت داشت. با وجود آنکه بسیار باهوش بود، اما هیچ‌گاه در رأی خود تعصب نشان نمی‌داد و می‌گفت: «این رأی و نظر ما و بهترین فکری است که آن را یافتیم، اگر کسی نظر بهتری دارد، بر ما مقدم است.»

گفت و گو کنید



الگوی مستقیم تابعین چه کسانی بودند؟

پیشنهاد



از کتاب‌هایی که معلّم در کلاس معرّفی می‌کند، داستان‌هایی را از زندگی «امام مالک» مطالعه کرده و برای دوستانتان بخوانید.

روزنامه دیواری



با کمک دوستان خود (و با راهنمایی معلّم عزیزتان) در مورد یکی از تابعین، روزنامه‌ی دیواری تهیه کنید و در راهروی مدرسه نصب نمایید.



احکام سفر

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

(ای پیامبر به مردم) بگو: در زمین سفر کنید ...

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱

آیا تاکنون به سفر رفته‌اید؟

سفر برای دیدن فامیل و آشنایان یا برای تفریح و گردش؟

به نظر شما این سفرها چه فایده‌هایی دارد؟

پیامبر آداب سفر را به یارانش آموخته بود و قبل از سفر همیشه دعا می‌کرد:

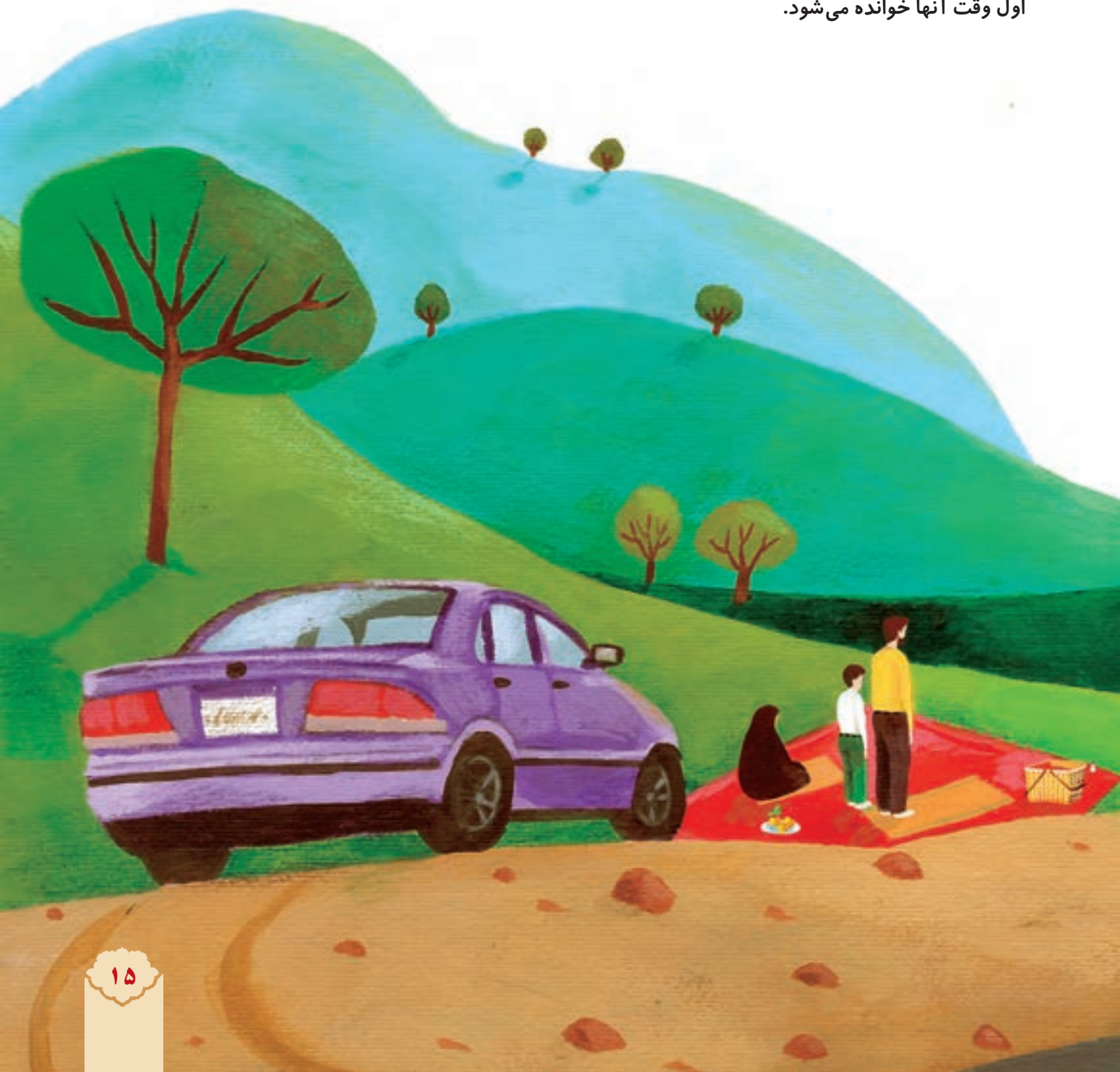
خدایا، ما در این سفر، از تو نیکی و تقوا می‌طلبیم.

می‌دانید که عبادات با روش و سبک مخصوصی انجام می‌شود، به این روش درست، احکام می‌گویند.

خدای مهربان هنگامی که ما به سفر می‌رویم، نماز و روزه را بر ما آسان گرفته است. در این درس می‌خواهیم برخی احکام نماز و روزه‌ی مسافر را بیان کنیم.

نماز مسافر

مسافر می‌تواند نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشاء) را دو رکعت بخواند. به این کار، قصر (کوتاه کردن و شکستن نماز) می‌گویند. البته نماز صبح و مغرب، قصر و کوتاه خوانده نمی‌شود. همچنین یکی از احکام نماز مسافر، جمع خواندن آن است. یعنی مسافر می‌تواند نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم بخواند. البته در مذهب حنفی برای جمع خواندن، نماز ظهر و مغرب در آخر وقت آنها و نماز عصر و عشاء در اوّل وقت آنها خوانده می‌شود.



شکسته شدن نماز از زمانی شروع می‌شود که مسافر سفرش را شروع کرده و از محدوده‌ی شهر بیرون رفته است.

چند نکته در مورد قصر و جمع نماز

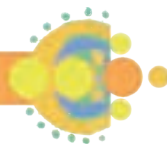
- مسافر باید به مقداری از شهرش دور شود که بتوان نام سفر را بر آن نهاد؛ بنابراین، کسی که به روستاها و یا شهرک‌های اطراف شهرش می‌رود، مسافر به حساب نمی‌آید. حدّ اقل مسافت بر اساس مذهب شافعی، ۸۱ کیلومتر و بر اساس مذهب حنفی، ۷۸ کیلومتر می‌باشد.
- مسافر می‌تواند بر اساس مذهب شافعی تا چهار روز و بر اساس مذهب حنفی تا پانزده روز نمازش را قصر و جمع بخواند (غیر از روزهای رفت و برگشت). اما اگر مسافری نداند کارش تا چند روز تمام می‌شود، بر اساس مذهب شافعی تا ۱۸ روز و بر اساس مذهب حنفی، تا هر مقدار کار او طول بکشد، می‌تواند نماز خود را شکسته بخواند. (مثلاً بر اساس مذهب شافعی، دانشجویی که تازه قبول شده و می‌خواهد در شهری که قرار است در آنجا درس بخواند، خوابگاه و یا اتاق بگیرد؛ اگر کار او در سفر به آن شهر تا ۱۸ روز طول کشید، می‌تواند نماز را قصر و جمع کند؛ اما اگر بیشتر از ۱۸ روز طول کشید، باید نمازهایش را کامل و در وقت خودش بخواند؛ این در حالی است که بر اساس مذهب حنفی، تا هر مقدار کار او طول بکشد، نماز خود را شکسته می‌خواند.)^۱
- فاصله انداختن بین دو نمازی که باید جمع خوانده شوند، صحیح نیست؛ مثلاً نمی‌تواند نماز اول را بخواند و پس از خواندن روزنامه، نماز دوم را بخواند.

روزه‌ی مسافر

- کسانی که در ماه رمضان مسافرت می‌کنند، لازم است احکام آن را بدانند:
- اگر روزه برای شخص مسافر آسان است، بهتر است روزه بگیرد. هر چند روزه نگرفتن هم برای او گناه ندارد.
 - اگر مسافر احساس کند مسافرت در گرما و مسافت طولانی، موجب شده که روزه گرفتن برایش سخت شود، در این صورت نباید روزه بگیرد؛ چون پیامبر، مسلمانان را از روزه گرفتن در چنین حالتی منع کرده است.
 - کسی که به خاطر مسافرت نتوانسته است روزه بگیرد، باید پس از ماه مبارک رمضان، قضای آنها را به جا آورد؛ یعنی به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است، روزه بگیرد.

۱- در سال‌های آینده و با مطالعه‌ی بیشتر، احکام دیگری را در این مورد خواهید خواند.

گفت‌و‌گو کنید



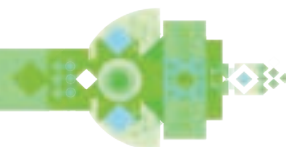
خانواده‌ی ایوب در تهران ساکن هستند.
در موارد زیر، نماز ایوب شکسته است یا کامل؟
– به همراه پدر و مادرش برای تفریح و دیدن جاذبه‌های شهر شیراز، به آنجا رفته است و آنها می‌دانند که ۲۰ روز در آنجا می‌مانند.
– قرار است در طی سه روز، تمام جاهای دیدنی همدان را با هم ببینند و از آنجا عکس بگیرند و فیلم‌برداری کنند.

فکر کن و بگو



چه مسافری نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد؟

تحقیق کنید



آیا کسی که نمازش را با هم جمع می‌کند، می‌تواند در بین دو نماز، سنت راتبه^۱ بخواند؟

۱ – نمازهای مستحب که سنت است قبل یا بعد از نمازهای واجب خوانده شود.

عمره

قبلاً در تلویزیون گونه‌هایی از اعمال آن را دیده بودم، اما آن روز برایم طور دیگری بود؛ چون دیگر تصویرش را بر شیشه‌ی تلویزیون نمی‌دیدم.
آن روز خودم یکی از آن هزاران نفر بودم که با پوششی ساده و سفید همچون کبوترانِ هم‌مسیر، پرواز می‌کردیم؛ اما پرواز ما در آسمان نبود؛ بلکه در زمین پرواز می‌کردیم و با حالتی خوش که نمی‌توانم آن را برایتان تعریف کنم، لبیک می‌گفتم.



مصطفیٰ که به اینجا رسید، نجیب به او گفت: «چقدر شاعرانه حرف می‌زنی!»
مصطفیٰ گفت: به خدا راست می‌گویم؛ هیچ خاطره‌ای برایم مانند عمره‌ی امسال دلپذیر نبوده است. تمام تفریحات و لحظه‌های خوشم در گذشته، مثل این چند روز نبود.
شکور گفت: «طوری حرف می‌زنی که انگار ۵۰ سال عمر داری!»
مصطفیٰ جواب داد: دعا می‌کنم تو هم بروی تا ببینی چقدر لذت‌بخش است و چه حالت‌های خوشی از عبادت را تجربه می‌کنی!

نجیب گفت: آیا برای تو فقط طواف لذت‌بخش بود؟
مصطفیٰ گفت: نه! یک روز پدرم با دو نفر حرف می‌زد و من سخن آنها را متوجه نمی‌شدم؛ اما می‌دیدم که از صحبت کردن لذت می‌برند. یکی از آنها از فلسطین آمده بود و عربی حرف می‌زد و دیگری مسلمانی آمریکایی و انگلیسی زبان بود. پدرم که با این دو زبان آشنایی داشت، با آنها گفت‌وگو می‌کرد.
نجیب با کنجکاوای سؤال کرد: از پدرت پرسیدی آنها چه می‌گفتند؟

مصطفیٰ جواب داد: مرد فلسطینی به پدرم گفته بود که من دو بار به حج آمده‌ام. از مراسم سنگ زدن به ستون شیطان یاد گرفتم که مذاکره با شیطان فایده ندارد، شیطان را باید با سنگ محکوم کرد و ما ملت فلسطین، همین کار را می‌کنیم. مرد آمریکایی هم گفته بود: برای یک غیر مسلمان در نیویورک، در مورد جمعیت زیاد حاجیان حرف می‌زد. وقتی فیلم آنها را هنگام طواف به او نشان دادم، به او گفتم: چند دقیقه‌ی دیگر، همه‌ی اینها در صفی مرتب می‌ایستند و با هم یک عبادت همگانی را انجام می‌دهند.
وی با تعجب گفت: حداقل دو ساعت لازم است تا جمعیت دو میلیونی در صفوفی منظم بایستند. من به او گفتم: وقتی امام جماعت فرمان می‌دهد: «راست و منظم بایستید!» همه در صف‌هایی مرتب برای چند ثانیه منظم می‌ایستند.

وقتی او تصویر این جمعیت عظیم را بر صفحه‌ی تلویزیون دید، مات و مبهوت شده و اشک از چشمانش جاری گشت و با توجه به حرف‌هایی که قبلاً با هم زده بودیم، گفت که مسلمان می‌شود و شهادتین را بر زبان آورد.

پدرم می‌گوید که اعمال حج، پر از رمز و راز است؛ مثلاً حضور این همه انسان با زبان‌ها، رنگ‌ها، فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف در کنار خانه‌ی خدا، برابر بودن همه‌ی انسان‌ها را با هم نشان می‌دهد. حضور آنها در صحرای عرفات نشان می‌دهد که پول و شغل و زبان و ملیت، در صحرای قیامت ارزشی ندارد؛ بلکه ایمان و عمل صالح است که برای انسان در آنجا مفید است.

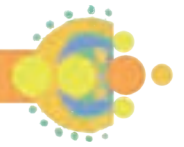
وقتی که مصطفیٰ به اینجا رسید، اشک از چشمانش جاری شد و گفت:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»

خداوند بر مردم واجب کرده است تا آنهایی که می‌توانند راه خانه‌ی خدا را در پیش گیرند و حج را انجام دهند.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹۷

گفت‌وگو کنید



از نظم صفوف نماز جماعت، چه درس‌هایی می‌گیریم؟

تحقیق کنید



شرکت در مراسم حج بر چه کسانی واجب می‌شود؟

